



نگاه عارفانه به کعبه همراه با ولایت، مایه غفران گناهان است

آیت الله جوادی آملی نوشت: برای جای حرم و نیز مناسک حج و عمره، اسرار و رموزی است که جز برای زائران خاص که صاحب‌خانه را در مجالی گوناگون مشاهده می‌نمایند، مکشوف نخواهد بود.

آیت الله جوادی آملی نوشت: برای جای حرم و نیز مناسک حج و عمره، اسرار و رموزی است که جز برای زائران خاص که صاحب‌خانه را در مجالی گوناگون مشاهده می‌نمایند، مکشوف نخواهد بود.

به گزارش **خبرگزاری مهر**، آیت الله جوادی آملی در مقاله‌ای با نام «گوشه‌ای از اسرار حج» به گوشه‌ای از اسرار حج و سیره حاجیان عارف پرداخته که با توجه به نزدیک شدن به ایام مناسک حج، بازخوانی این مقاله می‌تواند توشه مفید و ارزشمندی برای زائرین حرم امن الهی و علاقمندان به مباحث معرفتی حج باشد.

آیت الله جوادی آملی در بخشی از مقاله خود مرقوم داشت: برای جای حرم و نیز مناسک حج و عمره، اسرار و رموزی است که جز برای زائران خاص که صاحب‌خانه را در مجالی گوناگون مشاهده می‌نمایند، مکشوف نخواهد بود.

وی در این مقاله به سودمندی حج و هدف بودن یاد خدا در آن، محاذی بود کعبه با بیت معمور، مطرح بودن حج در دو هزار سال پیش از حضرت آدم و صیانت آیات الهی کعبه اشاره کرده است و مرقوم داشته است: گرچه مقداری از اسرار حج و سیره حاجیان عارف و معتمران معروف به پیروی از پیامبران صالح و اولیای فالح که در سالف و آنف حج نهاده‌اند و اسوه غابر و قادم بوده و هستند، در ثنائی رساله اسرار حج که به عربی نگارش یافت و به فارسی ترجمه و ویرایش شد آمد، لیکن تذکر برخی دیگر از رموز زیارت این بنای دیرپا و بیت پایدار و مهبط پیام پروردگار، سودمند خواهد بود.

۱. آیه (و لله على الناس حج البيت من استطاع إليه سبيلاً و من كفر فإن الله غنى عن العالمين) [۱] از جهات فراوان، جریان حج را مورد تأیید قرار داد؛ مانند: بیان وجوب آن با جمله اسمیه، تقدیم خبر بر مبتدا، ذکر حرف «لام» که نشانه اختصاص حق خداست، ذکر عموم مردم اولاً و خصوص توانمندان راه ثانیاً، تعبیر از تارك حج به كافر در مقام عمل؛ نه در مرحله اعتقاد، بی‌نیازی خداوند از تمام جهانیان؛ نه فقط از خصوص تاركان حج و...

سودمندی حج و هدف بودن یاد خدا در آن

۲. آیه (ليشهدوا منافع لهم و يذكروا اسم الله فى أيام معلومات على ما رزقهم من بهيمة الأنعام) [۲] گذشته از شمول سود صوری و منفعت معنوی امت اسلامی، یاد حق را هدف دانسته و مهم‌تر آنکه به جای نام قربانی، یاد خدا را ذکر فرمود تا روشن شود که هدف از «تضحیه»، همانا «تسمیه» خداست؛ نه صرف تحرّ و ذبح؛ یعنی به جای اینکه بفرماید: قربانی کنند، فرمود: خدا را به یاد آورند که آنها را از دامهای حلال مانند گوسفند روزی داد؛ به طوری که هم اصل قربانی به نام حق آغاز گردد و هم تمام نعمتهای دامی در تمام مدت زندگی برای همه انسانها به عنوان یاد خدا مطرح شود و منظور از «ایام معلومات»، همان زمان حج به ویژه دهه ذی حجه است که جزء شهر حرام به شمار می‌آید و ماههای حرام چهارند که سه ماه آن سَرَد و متصل (ذی‌قعدة، ذی‌حجه، محرم) و يك ماه آن (رجب) فرد و منفصل است.

۳. آیه (فيه آيات بينات مقام إبراهيم و من دخله كان آمناً...) [۳] برای مقام حضرت ابراهیم که جایگاه آن حضرت هنگام معماری کعبه بود، خصوصیتی قائل است؛ لذا از باب «ذکر خاص بعد از عام»، جریان آن را جداگانه بعد از یاد نشانه‌های دیگر، به عنوان عام نام می‌برد؛ زیرا اثر دو پای مبارك آن حضرت در سنگ صلد و سخت به جا مانده و همان قسمت مخصوص صخره جامد که جای قدم مبارك بود، فرورفت؛ نه بیش از آن به طوری که هم‌اکنون اثر به یاد ماندنی آن کاملاً مشهود است و در چهره نوار فلزی که بر لبه آن نصب است، جمله نورانی (و لا يؤده حفظهما و هو العلى العظيم) [۴]، با حسن انتخاب مسئولان حرم، حك شده است و راقم سطور، آن را دیده و عده‌ای را نیز ارائه نمود.

محاذی بود کعبه با بیت معمور

۴. کعبه در زمین، محاذی بیت معمور آسمان می‌باشد که آن بیت، برابر عرش خداست و فرشته خاصی مأمور بنای بیت معمور شد تا فرشتگانی که مقام انسانیت را به خلافت نشناخته‌اند و تسبیح و تقدیس خویش را سند شایستگی خود برای خلیفه الهی یاد نموده‌اند و با تنبیه خداوند به اوج مقام انسان کامل آگاه شده و بر پیشنهاد خویش رقم ندامت کشیده و بر استفهام خود قلم پیشیمانی زده‌اند، برگرد آن طواف کنند و با این عبادت، نقص کار خود را ترمیم نمایند.

ساختار ساختمان کعبه نیز به منظور طواف گرد آن، جهت ترمیم تمام قصورها و جبران همه تقصیرها، مخصوصاً غفلت از مقام انسانیت و سهو و نسیان یا عصیان در پیشگاه خلیفه الهی انسان می‌باشد؛ لذا بهترین تنبیه برای طائفان غافل و حاجیان ذاهل، همانا تدارك چهل و جبران غفلت درباره خودشناسی و معرفت مقام شامخ انسان کامل و خلیفه عصر، حضرت بقیه الله ارواح

من سواه فداه می‌باشد تا چون فرشتگان، طواف مقبول و سعی مشکور داشته باشند.

مطرح بودن حج در دو هزار سال پیش از حضرت آدم

۵. زرارة بن اعین از حضرت امام صادق(ع) پرسید: من چهل سال است که درباره حج، مسائلی را از شما می‌پرسم و شما فتوا می‌دهید؟! امام ششم فرمود: جریان حج، دو هزار سال قبل از آفرینش آدم هم مطرح بود و تو می‌خواهی مسائل آن در ظرف چهل سال به پایان برسد؟! [۵] بحثهایی که پیرامون دو هزار سال، قابل طرح است و نیز مباحثی که راجع به آدمهای قبل از آدم و زندگی انسانهایی که نسل آنان منقرض شد، خارج از حوزه این پیشگفتار کوتاه است و فقط به جریان چهل سال پرسش و پاسخ اشاره می‌شود:

حضرت امام صادق(ع) سنه ۸۳ هجری به دنیا آمد و در سال ۱۱۴ به امامت رسید و در سنه ۱۴۸ رحلت فرمود و عمر مبارک آن حضرت ۶۵ سال بود و دوران پر افتخار امامت آن حضرت ۳۴ سال؛ بنابراین، منظور زراره از «چهل سال» یا اعم از دوران امامت و قبل از آن است، زیرا وجود مبارک آن حضرت قبل از امامت هم عالم به احکام دین بوده و در تحت زعامت حضرت امام باقر(ع) آگاه به مسائل بوده است و یا خصوص دوران ۳۴ ساله امامت آن حضرت بوده و تعبیر به چهل سال برای متعارف بودن آنکه کسر دهه‌ها را عرفاً محسوب نمی‌داند و رقم تقریبی آن را یاد می‌نماید.

۶. تفکر اسرائیلی همراه با رسوب تعصب در صدر اسلام، توسط افرادی چون کعب الاحبار، مانند سمّ واکیر منتشر می‌شد و عترت طاهرین(ع) که همتای قرآن کریم‌اند، در کمال صلابت به طرد و قدح و ابطال آن همت می‌گماردند.

زراره می‌گوید: من در کنار امام باقر(ع) در برابر کعبه نشسته بودم، آن حضرت فرمود: نگاه به کعبه عبادت است. عاصم بن عمر به آن حضرت(ع) گفت: کعب الاحبار می‌گفت: کعبه هر بامداد برای بیت المقدس سجده می‌کند. امام باقر(ع) به او فرمود: تو درباره گفته کعب، چه می‌گویی؟ عاصم گفت: کعب درست گفت. امام باقر(ع) به او فرمود: تو دروغ گفتی و کعب الاحبار هم با تو دروغ گفت! زراره می‌گوید: آن حضرت غضبناک شد و من هرگز ندیده بودم که امام باقر(ع) غیر از عاصم بن عمر، کسی را چنین تکذیب کرده باشد. آنگاه فرمود: خداوند هیچ سرزمینی را محبوب‌تر از کعبه خلق نکرد؛ سپس با دست، اشاره به کعبه نمود و فرمود: «و لا أكرم على الله عزوجلّ منها...» و نه گرمی‌تر از کعبه نزد خداوند. [۶]

۷. گرچه نگاه به کعبه، محمود و نظر به آن ممدوح و ناظر به آن مثاب و مأجور [۷] است، لیکن همان طوری که کلمه توحید به شرط ولایت، حصن ائمن و دژ نجات است، نگاه عارفانه به کعبه، هماهنگ با ولایت نیز مایه غفران گناه و پایه نیل به جاه و رهایی از اندوه دنیا و آخرت است؛ چنان‌که امام صادق(ع) فرمود: «من نظر إلى الكعبة بمعرفة فعرفة حقنا و حرمتنا مثل الذی عرف من حقها و حرمتها غفر الله ذنوبه و كفاه هم الدنيا و الآخرة». [۸] از این رهگذر، معنای حدیثی که درباره محبوبیت سرزمین مکه و تمام آنچه در فضای آن است، اعم از خاک، سنگ، درخت، کوه و آب [۹] روشن خواهد شد.

یعنی منطقه حرم که ادراک حق و حرمت آن آمیخته به عرفان حق ولایت و امتثال آثار ولاست، محبوب‌ترین چیزها خواهد بود و هیچ چیزی همتای محبوبیت آن نیست؛ زیرا قرآن همتای ثقل اصغر خود، همراه ولایت، محبوب و معروف محبان عارف ثقلین است و سرزمین وحی، مایه شکوفایی این احترام آمیخته با امتثال و این معرفت هماهنگ با عمل بوده و از این جهت، محبوب‌ترین سرزمینها خواهد بود و شاهد اصل بحث، عدم قبول عبادت منکرین ولایت است.

۸. محدوده حرم به پاس حرمت کعبه از احترام ویژه برخوردار است که آثار آن در بسیاری از احکام فقهی ظهور دارد. سماعة بن مهران از امام صادق(ع) پرسید: مردی به من بدهکار بود و مدتی غایب شد، بعداً وی را در حال طواف دور کعبه دیدم. آیا مال خود را از او بخواهم؟ امام ششم(ع) فرمود: نه، بر او سلام نکن و او را نترسان تا از حرم بیرون آید. [۱۰] بحث درباره حرام بودن مطالبه دین از بدهکار پناهنده به حرم نیست، چنان‌که از دروس مرحوم شهید نقل شده؛ زیرا در حدیث مزبور، قید «التجاء به حرم» اخذ نشده؛ بلکه اطلاق آن شامل غیر حال پناهندگی هم می‌شود و اگر تقییدی باشد، باید آن را از دلیل دیگر استظهار کرد.

صیانت آیات الهی کعبه

۹. گرچه حوادث سهمگین سیل و مانند آن، چند بار به محدوده کعبه آسیب رساند، لیکن آیات الهی آن، مانند حجر الاسود، مقام ابراهیم و... هرگز از بین نرفت و هر بار با معجزه‌ای، همچنان از گزند سوانح ناگوار مصون مانده‌اند.

زراره از امام باقر(ع) پرسید: آیا شما حضرت حسین بن علی(ع) را ادراک کرده‌ای؟ فرمود: آری، به یاد دارم که در خدمت آن حضرت در مسجد کنار کعبه بودم و مردم در باره مقام ابراهیم(ع) سخنها می‌گفتند؛ بعضی می‌گفتند: مقام را سیل برد و برخی می‌گفتند: مقام در جای خود باقی است. امام حسین(ع) به من فرمود: مردم چه کرده‌اند؟ گفتم: می‌ترسند سیل مقام را ببرد. فرمود: ندا کن خداوند مقام را آیت و علامت قرار داد، هرگز آن را نمی‌برد، آرام باشید! (مردم آرام شدند). [۱۱] البته سیل مزبور، غیر از سیل سنه ۱۷ هجری است که به سیل «أم نهشل» معروف است و در عصر عمر رخ داد؛ زیرا در آن زمان، وجود مبارک امام حسین(ع) که در سال سوم هجری به دنیا آمد، بیش از چهارده سال نداشت و حضرت سجاد(ع) هنوز به دنیا نیامده بود؛ چه رسد به امام باقر(ع).

به هر تقدیر، ظهور اعجاز الهی در رخدادهای خطرناک، ضامن صیانت آیات بینه حرم بوده و هست و سنّ شریف امام باقر(ع) طبق نقل صدوق «ره» در من لا یحضره الفقیه در واقعه کربلا چهار سال بود. [۱۲]

بنای کعبه در ادوار تاریخ از ارتفاع ۹ ذراع (۵/۴ متر) به ۱۸ ذراع (۹ متر) رسیده و در این حال، مسقف شد؛ سپس در واقعه

حجاج و ابن زبیر به ۲۷ ذراع (۵/۱۳ متر) بالغ شد [۱۳] تا به ارتفاع کنونی رسیده است؛ لیکن پایه‌های معنوی آن، چنان‌که از امام صادق(ع) رسیده است، به هفتمین طبقه زمین (نهایت آن) و ارتفاع حقیقی آن به هفتمین طبقه سپهر (نهایت آن) خواهد بود. [۱۴]

۱۰. هر مؤثری در اثر خاص خویش تجلی دارد و هر اثری، واجد مزایای ویژه مؤثر خود خواهد بود و آنچه درباره کلام متکلم آمده است که: «المَرءُ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ»، [۱۵] و یا در باره کتاب کاتب آمده است که: «کتاب المرء معیار فضله...» [۱۶] و یا درباره فرستاده مرسل آمده است که: «رَسُولُكَ مِيزَانٌ تُبْلِكُ...» [۱۷]، همه اینها به عنوان تمثیل است؛ نه تعیین، و روح جامع همه آنها همان است که اثر، جلوه مؤثر است و مؤثر در اثر خویش نهفته است.

از این رهگذر، می‌توان همه آثار خلیل(ع) و ذبیح(ع) را در مهندسی و معماری و بنایی کعبه جست‌وجو نمود و هر وصف ممتازی که در قرآن کریم یا زبان عترت طاهرین(ع) پیرامون شخصیت برجسته این دو پیام‌آور بزرگ وحی الهی آمده باشد، برای ترسیم خطوط چهره معنوی کعبه سند گویایی است؛ مثلاً اگر درباره حضرت ابراهیم(ع) آمده است که آن حضرت، یهودی یا نصرانی نبوده بلکه حنیف، میانه‌رو، مسلم و منقاد محض و از گزند هرگونه شرک معصوم بوده است، می‌توان اوصاف اعتدال و توحید و انقیاد را هندسه کعبه دانست و همچنین هرکس به حضرت ابراهیم نزدیک‌تر و سزاوارتر بود، به پاسداری از کعبه و معماری صوری و معنوی آن اولی خواهد بود و آن گروه، غیر از پیروان راستین عصر آن حضرت، همانا پیامبر گرامی اسلام(صلی الله علیه وآله وسلم) و مؤمنان نابند که نه گرایش به یهودیت داشته و نه میل به ترسایی و نه منحرف از اعتدال عقیده و خلق و عمل و نه مبتلا به شرک اعتقادی، اخلاقی و عملی می‌باشند.

۱۱. حرمت کعبه، آن‌چنان مایه حرمت حَرَم شد که فقها سکونت در حرم را پروا می‌داشتند! زیرا هرگونه گناهی در آن، حتی زدن خدمتگزار را احتمال الحاد می‌دانند و در نتیجه، خطر تعذیب الهی را پیش‌بینی می‌کردند و بر اساس... و مَنْ يَرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ بِظِلْمٍ نَذَقَهُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ؟ [۱۸] به استناد تفسیری که تطبیق‌گونه از امام صادق(ع) رسیده است، اقامت در مکه را کراهت داشتند. [۱۹] و این، نه به معنای کراهت زندگی در آن مکان مقدس بلکه به معنای هراس از رعایت نکردن حقوق آن حَرَم والای الهی است.

گرچه در بعضی از نصوص دینی، اقامت يك سال را روا ندانسته و تحوّل و انتقال از آن پیشنهاد شده و دلیل آن طبق بعضی از نصوص دیگر، چنین آمد که اقامت در مکه، مایه قساوت دل می‌شود. [۲۰] سرّش ظاهر! این است که حقوق عظیم آن محدوده رعایت نمی‌شود و رفته رفته پایه سست عهده و دل‌مردگی چیده خواهد شد. البته زائر مجاور که رعایت حقوق حرم فراموشش نشود، از فیض عظیمی برخوردار می‌گردد؛ زیرا اقامه در حرم بهتر از خروج از آن است. [۲۱]

۱۲. خضوع در ساحت قدس کعبه، اقتضا دارد که نه تنها از لحاظ سیرت کسی برتر از آن نباشد، چنان‌که نیست، بلکه از لحاظ صورت نیز برتر از آن بنا نکند تا در آن بنای مرتفع قرار گیرد و کعبه زیر بنای وی واقع گردد؛ چنان‌که از حضرت امام باقر(ع) رسیده است: «لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ أَنْ يَرْفَعَ بِنَاءً فَوْقَ الْكَعْبَةِ». [۲۲]

برای جای جای حرم و نیز مناسک حج و عمره، اسرار و رموزی است که جز برای زائران خاص که صاحب‌خانه را در مجالی گوناگون مشاهده می‌نمایند، مکشوف نخواهد بود. به امید دیدار رب‌البیت و شهود آیات آفاقی و انفسی آن و امتثال حج ابراهیمی و اعتمار ناب حسینی(ع) تفصیل بحث به مجال دیگر موکول می‌شود.

والحمد لله رب العالمين

جوادى آملی ۱۳۷۱/۹/۵

[۱] - سوره آل عمران، آیه ۹۷.

[۲] - سوره حج، آیه ۲۸.

[۳] - سوره آل عمران، آیه ۹۷.

[۴] - سوره بقره، آیه ۲۵۵.

[۵] - من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۱۹؛ وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۲، کتاب الحج، أبواب وجوب حج و شرائطه، باب ۱، حدیث ۱۲.

[۶] - کافی، ج ۴، ص ۲۳۹، باب مولد امام باقر(ع) و امام صادق(ع).

[۷] - کافی، ج ۴، ص ۲۳۹، باب فضل النظر الى الكعبة.

[۸] - همان، ص ۲۴۱.

[۹] - وافی، ج ۸، ص ۴۰.

[۱۰] - کافی، ج ۴، ص ۲۴۱، کتاب حج، باب من رأى غریمه فی الحرم.

[۱۱] - کافی، ج ۴، ص ۲۲۳.

[۱۲] - وافی، ج ۸، ص ۶۵ - ۶۲.

[۱۳] - همان.

[۱۴] - وافی، ج ۸، ص ۶۵ - ۶۲.

[۱۵] - نهج البلاغه، حکمت ۱۴۸.

[۱۶] - شرح غرر الحکم و درر الکلم، ج ۴، ص ۶۳۵.

[۱۷] - همان، ص ۱۰۰.

[۱۸] - سوره حج، آیه ۲۵.

[۱۹] - وافى، ج ۸، ص ۸۶.

[۲۰] - همان، ص ۸۹.

[۲۱] - همان، ص ۴۴.

[۲۲] - وافى، ج ۸، ص ۸۹.

منبع: سرچشمه اندیشه ج ۳، ص ۳۶۷